روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۶۱۶ | یک‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۵ | ۲۱ ذی‌الحجه ۱۴۴۷ | اذان ظهر ۱۲:۰۳ |
غروب آفتاب ۱۹:۱۸ | اذان مغرب ۱۹:۳۹ | نیمه شب شرعی ۲۳:۱۱ | اذان صبح فردا ۰۳:۰۳ | طلوع آفتاب فردا ۰۴:۴۸ |

دیده‌بان

عبدالله معارفی
نوازنده پیشکسوت سنتور درگذشت

یکی از نوازندگان شناخته شده عرصه سنتورنوازی روز جمعه ۱۵ خردادماه در سن ۸۰ سالگی دار فانی را وداع گفت.

عبدالله معارفی، نوازنده برجسته سنتور و از چهره‌های نام‌آشنای موسیقی ایران، جمعه ۱۵ خرداد در سن ۸۰ سالگی درگذشت.

عبدالله معارفی متولد ۱۳۲۵ تهران، در خانواده‌ای کاملاً موسیقایی چشم به جهان گشود. پدرش ناصر معارفی و پدربزرگش عبدالله‌خان معارفی مشهور به شمس‌الملکی از نوازندگان چیره‌دست ویولن بودند. عموهایش منصور، مسعود و منوچهر معارفی نیز از نوازندگان معروف رادیو و اعضای گروه «برادران معارفی» به شمار می‌رفتند. عبدالله معارفی نواختن سنتور را از کودکی و با راهنمایی پدر آغاز کرد و استعداد او موجب شد ردیف‌های موسیقی را در خردسالی با سنتور بیاموزد و نخستین برنامه رادیویی خود را در ۷ سالگی اجرا کند. او در سال ۱۳۴۳ وارد هنرستان موسیقی ملی شبانه شد و در سال ۱۳۵۵ به مدت یک سال از سوی وزارت فرهنگ و هنر در مرکز هنری فرهنگ و هنر کاشان به آموزش سنتور مشغول بود. پس از انقلاب نیز مدتی در اتریش زندگی کرد، اما به ایران بازگشت و تا سال‌های پایانی عمر به تدریس موسیقی ادامه داد.

نمایش ۶ فیلم در «پاتوق مستند»

مستندهای «سرخ پوش»، «یک طرح ساده»، «نفس سرد»، «برای کیان»، «تنها کنار هم» و «کد ۷۰۰» چهارشنبه ۲۰ خردادماه در سالن حقیقت مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی روی پرده می‌روند.

در ادامه برنامه «پاتوق مستند»، چهارشنبه ۲۰ خردادماه مستندهای کوتاه «سرخ پوش» (بابک بهداد)، «یک طرح ساده» (کتایون جهانگیری)، «نفس سرد» (مژگان صیادی)، «برای کیان» (سارا طالبیان)، «تنها کنار هم» (الهام آقالری) و مستند بلند «کد ۷۰۰» (مینا قاسمی زواره) از ساعت ۱۶ در سالن حقیقت روی پرده می‌روند. این مستندها هر یک از زاویه‌ای ثبت‌کننده رخدادها و حال و هوای مردم در جنگ ۱۲ روزه هستند و در نوزدهمین جشنواره «سینماحقیقت» نمایش داده شدند. تماشای فیلم در «پاتوق مستند» آزاد و رایگان است. «پاتوق مستند» دوشنبه و چهارشنبه هر هفته ساعت ۱۶ برقرار است.

جشنواره تئاتر مکتب تهران برگزار می‌شود

سیزدهمین جشنواره هنرجویان مکتب تهران در سالن نمایش مکتب تهران برگزار می‌شود.

سیزدهمین دوره جشنواره هنرجویان مکتب تهران از ۱۶ تا ۳۱ خرداد ۱۴۰۵ در سالن نمایش مکتب تهران برگزار می‌شود.

این رویداد هنری که به عنوان یکی از برنامه‌های سالانه مکتب تهران شناخته می‌شود، فرصتی برای ارائه دستاوردهای آموزشی و هنری هنرجویان رشته‌های مختلف این مجموعه فرهنگی و هنری را فراهم می‌کند. ایجاد فضایی برای نمایش توانمندی‌های هنرجویان، تبادل تجربه‌های هنری و ایجاد بستری برای رقابت و تعامل میان دانشجویان و علاقه‌مندان از اهداف این رویداد است.

در این دوره نیز هنرجویان رشته‌های درام‌نویسی، بازیگری، کارگردانی تئاتر و طراحی صحنه و نور، آثار خود را در قالب اجراهای پایان دوره روی صحنه می‌برند. تمامی اجراهای حاضر در جشنواره به صورت عمومی و با بلیت‌فروشی برگزار می‌شود و علاقه‌مندان به تئاتر می‌توانند از این آثار دیدن کنند.

«دندون‌گیر» از ۱۷ خرداد روی صحنه می‌رود

نمایش «دندون‌گیر» به کارگردانی وحید نفر از ۱۷ خرداد در سالن بوتیک هنر ایران روی صحنه می‌رود.

نمایش «دندون‌گیر» که به عنوان اثر منتخب دومین جشنواره ثور با موضوع بازار سرمایه برگزیده شده است، از ۱۷ خردادماه در سالن بوتیک هنر ایران اجرای عمومی خود را آغاز می‌کند.

محسن رحمانی، نویسنده این اثر نمایشی است. در خلاصه داستان «دندون‌گیر» آمده است: «زوجی که تمام دارایی خود را در بورس سرمایه‌گذاری کرده‌اند، متوجه می‌شوند سه فرزند در آستانه ورود به زندگی‌شان هستند و با افزایش مشکلات اقتصادی، ناچار به اتخاذ تصمیمی دشوار می‌شوند.»

پوستر نمایش «دندون‌گیر» را پوریا جیحانی طراحی کرده است و مرتضی صباحی، نیلوفر عباسی و غزاله حریرچی در این اثر به ایفای نقش پرداخته‌اند.

حکمت

حضرت زهرا سلام‌الله علیها فرمودند:

کسی که عبادت‌های خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ برترین مصلحت را به سویش فرو خواهد فرستاد.

بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۹

ادبیات جنگ در گفت‌وگوی «جوان» با علی‌اصغر عزتی‌پاک، نویسنده و پژوهشگر ادبی

کنشگران حوزه داستان از مردم عقب‌ترهستند

محمد یوسف‌نیا

هر پدیده آدم‌های خودش را می‌آورد. در حوزه نویسندگی هم این جنگ آدم‌های خودش را خواهد ساخت و خواهد آورد. ادبیات و کنشگران ادبی (در حوزه داستان) عقب‌تر از مردم هستند، یعنی همچنان مردم وقایعی را رقم می‌زنند که ادبیات نه آنها را پیش‌بینی کرده، نه توانسته درباره‌اش تعامل کند و نه فعلاً توانایی بازنمایی آن را دارد.

بلوغ فکری و رفتاری هر جامعه‌ای تابعی از متغیرهای متنوع است. گاهی یک شعر یا یک تصویر می‌تواند هدایتگر افکار عمومی باشد. یکی از مؤلفه‌هایی که در ایام جنگ تحمیلی اخیر محور تروریستی و شیطانی امریکایی-صهیونی علیه کشورمان، کارشناسان علوم مختلف را مبهوت کرده، حضور مداوم مردم در میدان است. اگر قرار باشد که شاخصه‌های زمینی و اثرگذار در بعثت مردم را رج بزنیم، حتماً ادبیات و شعر جزو اولین‌های این لیست هستند. علی‌اصغر عزتی‌پاک پژوهشگر، نویسنده، داستان‌نویس و برگزیده بیست‌ویکمین دوره جایزه کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور، انتقاداتی را نسبت به ضعیف و بی‌اثر بودن کنشگران حوزه ادبیات داستانی مطرح کرده و آنها را عقب‌تر از مردم کف خیابان می‌داند. عزتی‌پاک در مورد تأثیر و نسبت ادبیات داستانی در رویکرد مقاومت مردم ایران در اتفاقات اخیر می‌گوید: معتقدم همچنان که در ۱۰۰ سال گذشته ادبیات جدید ایران نشان داده است، ادبیات و کنشگران ادبی ـ به‌خصوص در حوزه داستان ـ عقب‌تر از مردم هستند، یعنی همچنان مردم وقایعی را رقم می‌زنند که ادبیات نه آنها را پیش‌بینی کرده، نه توانسته درباره‌اش تعامل کند و نه فعلاً توانایی بازنمایی آن را دارد.

در همین جنگ ۴۰ روزه من کلی شاعر و نویسنده می‌شناختم که مثلا می‌گفتند ما باید آماده باشیم اگر جنگ شد، واکنش نشان دهیم. جنگ شد، ولی این آدم‌هایی که من می‌شناختم و خودشان را شاعر مسلم می‌دانستند، واکنش نشان ندادند، اما جنگ شاعرهای خودش را از جای دیگر پیدا کرد

■ روشنفکران ادبیات داستانی با مردم آشتی کنند

عزتی‌پاک در ادامه می‌افزاید: انگار باید صبر کنیم تا بخش اصیل و روشنفکری ادبیات کمی فکر کند و به خودش بیاید و زبان بیان و چرایی را پیدا کند؛ اگر نه، هرچه که هست، لااقل ادبیات دخالتی به معنای داستانی در این خیزش‌ها و دفاع جانانه مردم از کشورشان ندارد، بلکه این جوش و خروش‌ها که مردم را به خیزش وامی‌دارد، بیشتر حس و فهم آنهاست که درک می‌کنند که با در خیابان ماندن و ایستادگی، به کشور و خانه‌شان فکر می‌کنند که در معرض خطر است و ما باید دفاع کنیم.

این پژوهشگر ادبی با اشاره به اینکه ادبیات، لااقل در بخش داستان، کنار مردم نیست و همچنان با ملاحظه رفتار می‌کند، ادامه می‌دهد: اولاً فکر می‌کند که مؤثر است، در حالی که هیچ تأثیری ندارد و بعد هم فکر می‌کند جلوتر از مردم است، در حالی که به‌شدت عقب‌تر از آنهاست. چنانکه در این ۱۰۰ سال عقب بوده و همچنان امروز هم عقب است. تاوقتی این ادبیات در حوزه داستان با این مردم که در کوچه و خیابان هستند و زندگی را در این شهر جریان دادند آشتی نکند، این مردم هم با این ادبیات آشتی نخواهند کرد و دنیا نیز این ادبیات را نماینده مردم ایران قلمداد نخواهد کرد.

نویسنده رمان «باغ کیانوش» در مورد ارزیابی رفتاری مدعیان این حوزه ادبی اظهار می‌کند: فکر می‌کنم که این جریان همچنان به رفتار نخوت‌آمیز و لوس خود ادامه می‌دهد و بیش از آنکه در مردم مؤثر باشند، خودشان را منزوی‌تر از همیشه می‌کنند و به‌خاطر همین است که مردم از داستان فارسی دست شسته‌اند، در حالی که مردم با فیلم و سینما ارتباط دارند، چون واقعاً بیشتر از ادبیات داستانی کنار مردم حضور دارد.

عزتی‌پاک با تأکید بر اینکه ادبیات داستانی جنگ ایران، یک ادبیات شکست‌خورده است و دلایل خودش را دارد، ادامه می‌دهد: بخشی از این دلایل مربوط به حاکمیت است که با سانسور جلوی آن را گرفت و آن را ناکام گذاشت. من در این زمینه منتقد حاکمیت و اداره سانسور هستم و فکر می‌کنم ناآگاهانه و به خطا به ما و جنگ خیانت کرده است. بنابراین ما ادبیات جنگ به معنایی که باید داشته باشیم را نداریم.

■ باید از مرتضی سرهنگ تقدیر کنیم

این پژوهشگر و نویسنده ادبی تأکید می‌کند: تنها شاخه‌ای که به نظرم از این سال‌های کتابت در ایران خواهد ماند، تاریخ شفاهی است. بله، تاریخ شفاهی کار خودش را کرد. تاریخ شفاهی حوزه هنری در آن بخش، جریانی را شروع کرد که گسترش پیدا کرد و به بیرون حوزه رفت و اثرگذار هم بود؛ روحیه دفاع ملی با ریشه‌های دینی را تقویت کرد و گسترش داد. ما امروز در این جنگ بخشی از میوه‌های آن را چیده‌ایم و باید در این خصوص از مرتضی سرهنگی تقدیر کنیم و بگوییم که تو به بار نشاندی و آدم‌هایی هم که آوردی، پای این حرف‌هایی که در این کتاب‌ها زده‌اند ایستادند؛ برخلاف شاخه ادبیات داستانی که همگی توبه‌کار شده‌اند و ما امروز نویسنده با سابقه انقلابی و جبهه‌ای نداریم که بیاید و همچنان مردانه پای حرف اساسی که همه می‌دانند حق است، یعنی دفاع از کشور در برابر دشمن شروری مثل اسرائیل و امریکا بایستد. این امر بدیهی است و یک بچه الان آن را می‌فهمد، اما نویسندگان جریان سابق انقلاب این را نمی‌فهمند. به نظرم باید در این زمینه با مردم حرف زد.

نویسنده رمان «باغ‌های همیشه بهار» اظهار می‌کند: ما امروز آسیب داریم و انسان در شرایط آسیب است که فریاد برمی‌آورد. بله، بعدها می‌رود درمان و کارهای دیگر هم می‌کند، اما در آن لحظه اصلاً شکل غریزی انسان است که فریاد می‌زند، داد می‌زند، «آخ!» می‌گوید. ما الان حرف‌مان همین‌جاست که امروز که باید زبان مردم ایران می‌بودید، کجا رفتید؟ اگرچه در آینده هم خبری از این جماعت نخواهد بود. به نظرم ما باید یک نقطه بگذاریم و به جریان‌های دیگر سیاسی-فرهنگی جمهوری اسلامی به‌جز حوزه هنری، بگوییم که شماها یک عده نویسنده را حمایت‌های ناموجه کرده‌اید؛ دیگر تمام کنید و اجازه بدهید جریان فرهنگی در ایران کمی آزادتر شکل بگیرد.

■ نویسندگانی که این شب‌ها در خیابان هستند

وی می‌افزاید: البته هر پدیده آدم‌های خودش را می‌آورد. در همین جنگ ۴۰ روزه من کلی شاعر و نویسنده می‌شناختم که مثلاً می‌گفتند ما باید آماده باشیم اگر جنگ شد، واکنش نشان دهیم. جنگ شد، ولی این آدم‌هایی که من می‌شناختم و خودشان را شاعر مسلم می‌دانستند، واکنش نشان ندادند، اما جنگ شاعرهای خودش را از جای دیگر پیدا کرد.

عزتی‌پاک خاطرنشان می‌کند: یعنی آن چهار، پنج تا شعر مهمی که آمد و خیابان‌ها و اذهان را درنوردید، اتفاقاً از شاعرهای جدید بودند، از آدم‌های جدید بودند، از کسانی که اسم و رسمی قبل از این ماجرا نداشتند، مثلاً «بزن که خوب می‌زنی» و «باید برخاست»؛ اینها جدید بودند. هم شاعران جدید بودند و هم خواننده جدید بود. اینها قبل‌تر در خیابان نبودند، این جنگ جدید آنها را آورد، چون اقتضائات خودش را داشت و زبان خودش را می‌خواست. به‌خاطر همین با ادبیات قبل از این جنگ نمی‌توان درباره‌اش حرف زد. بنابراین در حوزه نویسندگی هم این جنگ آدم‌های خودش را خواهد ساخت و خواهد آورد، چون کسانی که نویسنده مسلم هستند، خیابان نیامدند که مردم را ببینند، ولی کسانی که بالقوه نویسنده هستند، شب‌ها در خیابانند و خواهند نوشت. بعدها خواهند آمد و در زمینه نویسندگی و روایت مهارت پیدا خواهند کرد. این یک تجربه است که ما آن را در جنگ هشت ساله داشتیم؛ جنگ نویسندگان خودش را خواهد آورد، ولی جنگ‌ها پدیده‌های عمیق‌تر و مؤثرتری هستند و طبعاً نویسندگان بیشتری را جذب می‌کنند.

نما | حسین کشتکار

نمایش خانگی | روزبه فکور

گذری بر نخستین قسمت سریال «کلاغ»

بازگشت مهدویان به میدان سیاست و تاریخ

سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب را می‌توان یکی از پرالتهاب‌ترین و سرنوشت‌سازترین مقاطع تاریخ معاصر ایران دانست. در این دوره جامعه ایرانی در حال تجربه تغییرات گسترده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود و شکل تازه‌ای از زیست شهری و اجتماعی در حال شکل‌گیری بود. همزمان با این تحولات، نارضایتی‌های عمومی از حکومت پهلوی افزایش یافت و گروه‌های مختلف سیاسی و مبارزاتی با اهداف و گرایش‌های گوناگون برای مقابله با رژیم و تغییر ساختار قدرت فعالیت خود را گسترش دادند. در چنین شرایطی ساواک به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حکومت برای کنترل مخالفان و مهار اعتراضات تبدیل شد.

ساواک که در طول سال‌های فعالیت خود نقش پررنگی در تحولات سیاسی کشور داشت همواره به دلیل شیوه‌های امنیتی، بازجویی‌ها و برخوردهای خشن سرکوبگرانه با مخالفان مورد توجه پژوهشگران، مورخان و هنرمندان قرار گرفته است. با وجود گذشت دهه‌ها از پایان فعالیت این سازمان هنوز ابعاد مختلف عملکرد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و زوایای پنهان بسیاری از فعالیت‌هایش قابل تأمل است.

سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی در سراسر جهان همواره یکی از جذاب‌ترین سوژه‌ها برای سینما و تلویزیون بوده‌اند. از آثار مشهور هالیوودی گرفته تا سریال‌های موفق اروپایی و آسیایی بارها شاهد روایت‌هایی بوده‌ایم که با محوریت مأموران امنیتی، عملیات‌های مخفی، جاسوسی و کشمکش‌های سیاسی ساخته شده‌اند. این آثار معمولاً به دلیل برخورداری از رازآلودگی و پیچیدگی‌های انسانی مخاطبان گسترده‌ای را جذب می‌کنند. در ایران نیز ساواک به عنوان مهم‌ترین سازمان امنیتی دوران پهلوی، بارها دستمایه تولید فیلم‌ها و سریال‌های مختلف قرار گرفته و هر بار از زاویه‌ای متفاوت به آن پرداخته شده است.

محمدحسین مهدویان یکی از فیلمسازانی است که در سال‌های اخیر علاقه ویژه‌ای به روایت تاریخ معاصر ایران نشان داده است. او پیش‌تر با ساخت مجموعه مستند «آخرین روزهای زمستان» و همچنین فیلم‌های سینمایی «ماجرای نیمروز» و «ماجرای نیمروز؛ رد خون» توانایی خود را در بازآفرینی وقایع تاریخی و سیاسی به نمایش گذاشته است. مهدویان در این آثار تلاش کرده با تلفیق واقعیت‌های تاریخی و عناصر دراماتیک، تصویری جذاب و در عین حال قابل تأمل از رویدادهای معاصر ارائه دهد.

این کارگردان پس از تجربه پرفرازونشیب سه‌گانه «زخم کاری» در فضای درام و معمایی، بار دیگر به سراغ تاریخ معاصر رفته و این‌بار سازمان ساواک را سوژه خود قرار داده است. سریال «کلاغ» تازه‌ترین اثر اوست. مجموعه‌ای که شامل ترکیبی از بازیگران و عوامل ادامه‌دهنده برخی از تجربه‌های پیشین مهدویان است.

«کلاغ»، داستان یکی از اعضای ساواک را روایت می‌کند. شخصیتی که در کنار زندگی خانوادگی و داشتن همسر و فرزند وارد رابطه‌ای پنهانی با زنی دیگر شده است، اما این رابطه صرفاً یک ماجرای عاشقانه نیست؛ مأمور ساواک از این زن به عنوان ابزاری برای دسترسی به اطلاعات و سوژه‌های امنیتی استفاده می‌کند و این رابطه به تدریج زندگی شخصی و مأموریت‌های امنیتی او را به یکدیگر گره می‌زند. همین تقابل میان زندگی خصوصی و فعالیت‌های امنیتی می‌تواند به یکی از نقاط جذاب داستان تبدیل شود.

قسمت نخست سریال با معرفی این فضا و شخصیت‌ها آغاز شده و اکنون باید دید در ادامه چه مسیری را طی خواهد کرد. آیا مهدویان می‌تواند بار دیگر به روزهای اوج خود در روایت داستان‌های سیاسی و تاریخی بازگردد و اثری ماندگار خلق کند یا «کلاغ» نیز همچون برخی از آثار اخیر او با واکنش‌های انتقادی مخاطبان روبه‌رو خواهد شد.

تلویزیون | مهدی مقاری

نگاهی به برنامه «قرارگاه جنگ» که از شبکه افق پخش می‌شود

اتاق فرماندهی رسانه‌ای «جنگ تحمیلی سوم» روی آنتن زنده

اگر شب‌ها مخاطب شبکه افق باشید، به وضوح تفاوت راهبردی «قرارگاه جنگ» با هر برنامه سیاسی-نظامی دیگر را حس می‌کنید. اثری از روزمرگی خبری «به افق فلسطین» نیست؛ اینجا دیگر یک اتاق فکر جنگی در برابر تهدیدات ترکیبی دشمن ایستاده است.

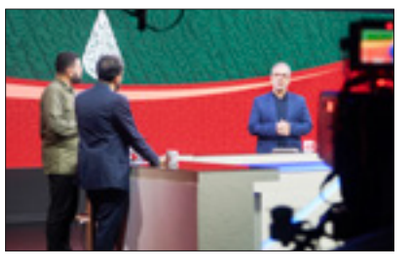

«به افق فلسطین» در قله طوفان‌الاقصی، یک مرجع میدانی بود، اما «قرارگاه جنگ» اکنون به سطح مدیریت راهبردی جبهه مقاومت در جنگ تحمیلی سوم صعود کرده است. برنامه با حضور تحلیلگران ارشد نظامی و متخصصان جنگ شناختی، نه «چه شد»، بلکه «چگونه شکست خواهد خورد» را روایت می‌کند. این برنامه دیگر صرفاً به غزه نمی‌پردازد؛ ابعاد پنهان نبرد ترکیبی، جنگ شناختی و معمای فروپاشی هژمونی امریکا در منطقه را با استناد به داده‌های نظامی و اطلاعاتی روز تشریح می‌کند.

برخلاف میزهای خشک آکادمیک، فضای «قرارگاه جنگ»، حال و هوای یک سنگر رسانه‌ای زنده دارد. مجری با لحنی شفاف، بی‌پروا و راهبردی، سؤالات تند را به سمت میهمانانی روانه می‌کند که ترکیبی از فرماندهان باسابقه سپاه و تحلیلگران برجسته ژئوپلیتیک هستند.

حضور چهره‌هایی که تجربه حضور در خط مقدم جبهه مقاومت را دارند، برنامه را از سطح یک میزگرد معمولی فراتر برده و به «صدای مستند جبهه مقاومت» تبدیل کرده است. محور بحث‌ها روشن است؛ ضعف استراتژیک رژیم صهیونیستی و ظرفیت‌های بی‌نظیر محور مقاومت، این‌بار با سند و مستند.

مهم‌ترین رویکرد «قرارگاه جنگ» عبور از نگاه تک‌بعدی به فلسطین است. این برنامه نشان می‌دهد که جنگ غزه صرفاً یک درگیری محلی نبود، بلکه مرکز ثقل یک تقابل جهانی بین نظم در حال فروپاشی امریکایی-صهیونیستی و جبهه مقاومت نوظهور جهانی است و امروز با جنگ تحمیلی سوم علیه ایران اسلامی، «قرارگاه جنگ» تمرکز خود را بر تبیین مستمر پروژه‌های شکست‌خورده دشمن در حوزه نظامی، شناختی و دیپلماتیک معطوف کرده است.

«قرارگاه جنگ» با تلفیق اطلاعات میدانی، نقد سیاسی رادیکال و نگاه ژرف‌اندیشانه نظامی، یک سر و گردن بالاتر از استانداردهای معمول برنامه‌های تحلیلی ایستاده است. این برنامه، رسماً به فرماندهی رسانه‌ای جبهه مقاومت در برابر محور غربی-صهیونیستی بدل شده است. اگر به دنبال تحلیلی فراتر از اخبار سطحی و تصویری واقعی از عمق راهبردی مقاومت هستید افق شب‌ها، منتظر شماست.

کتاب

«عشق اگر سایه خواست من هستم» با داستانی از امام هفتم منتشر شد

کتاب «عشق اگر سایه خواست من هستم» اثری داستانی از سیدمهدی شجاعی با موضوع امام کاظم(ع) برای نوجوانان است که توسط انتشارات نیستان منتشر شده است.

به گزارش «جوان»، داستان «عشق اگر سایه خواست من هستم» به روایتی از اصحاب امام کاظم(ع) اشاره دارد که در زمان حکومت برمکیان در ری حاضر به اطاعت و پرداخت مالیات به آنان نمی‌شوند تا اینکه «یحیی بن خالد برمکی» یکی از مطیعان امامان شیعه را بر مسند حکومت ری می‌نشاند. این صحابه که فردی است از اهالی ری، پس از پنج ماه سفر در مکه به دیدار امام کاظم(ع) مشرف می‌شود و شرحی از داستان خود را بازگو می‌کند. امام نامه‌ای به وی می‌دهد که والی وقت با خواندن آن نه تنها مالیات وی را حذف، بلکه نیمی از دارایی خود را نیز به وی می‌بخشد.

داستان «عشق اگر سایه خواست من هستم» متنی شاعرانه دارد، توصیفات زیبا در وصف ناامیدی و امید و شرحی شاعرانه از عشق و شوق در برابر امر امام زمانه. کتاب در تمام بندهای خود روایتی خواندنی و قابل لمس از خستگی و در عین حال شیدایی سفر از ری تا مکه با مرکب زمینی و بازگشت از این سفر و در ادامه راهی شدن دوباره به مکه برای دیداری تازه را بازگو می‌کند.

دل‌نگرانی‌ها و خیالاتی که قهرمان داستان را آنی رها نمی‌کند در تمام طول متن قطره به قطره با مخاطب متن به اشتراک گذاشته می‌شود و او در نهایت مخاطبش را در جایگاه خود نشانده و واله و شیفته متن نامه امام می‌کند و به شیدایی می‌کشاند. داستان کتاب «عشق اگر سایه خواست من هستم» از حیث تاریخی نیز در زمان حکومت عباسیان و وزارت برمکیان رخ می‌دهد، زمانه‌ای که در آن برمکیان در اوج قدرت در دستگاه خلافت عباسی هستند و تمامی امور حکومتی را در قدرت خود دارند و در این میان انتخاب والی شیفته امام شیعه از سوی کارگزاران عباسی نیز در نوع خود اتفاقی است بسیار جذاب و هیجان‌انگیز که سرنوشتی عجیب را نیز برای وی رقم می‌زند.

این کتاب در ۲۸ صفحه در قطع وزیری با جلد شومیز و با تصویرگری مرحوم فرهاد جمشیدی توسط انتشارات نیستان به چاپ رسیده است. جمشیدی برای تأثیرگذاری متن از تصاویر سیاه و سفید استفاده و سعی کرده تمام افکار و حالات درونی حاضران در داستان را با تصویرسازی چهره‌های حاضر در دل متن کتاب به مخاطب منتقل کند.